

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله علیدوست در برنامه آفتاب شرقی

اصول اخلاق اجتماعی جلسه بیست و هفتم

عوامل مولد در اهتمام به حق الناس و پلشت انگاری عامل اول

مجری: این که در قرآن گفته شده که در قصاص ، حیات است آیا این پاک کننده قاتل است؟ آیا شخص قاتل باید خود از این قصاص، استقبال کند؟

این مطلب اگر به دو بخش گسست پیدا کند ، بهتر است.

اگر کسی مومنی را به خاطر ایمانش بکشد، در واقع چنین شخصی کافر است. راجع به این آیه که لکم فی القصاص حیاة یا اولی الالباب ؛ از نظر دنیوی ، قصاص جلو بسیاری از قتل ها را می گیرد. به خاطر همین هم از آن تعبیر به حیات شده است.

اما بدون تردید قصاص باعث شدن حساب کسی که قصاص شده در روز قیامت می شود. زیرا روایتی از معصوم علیه السلام است که خدای متعال کریم تر از این است که کسی را دو بار قصاص کند. لذا برخی همچون ماعز بن مالک صدر اسلام به سوی پیامبر می آمدند و به ایشان می گفتند ما را پاک کن... البته این هم گفته شده که مبادا بیایید و گناهان را نزد دیگران مطرح کنید هر چه بین شما و خداست گفته نشود که خدای متعال خود خبر از همه چیز دارد و خود خواهد بخشید. در روایات هست که نیایید و این ها را مطرح کنید بین خودتان و خدای خودتان بماند و توبه کنید ، بهتر است از این که بیایید و اقرار کنید و بعد هم بر شما حد جاری شود.

و یک نکته این که حتی عقوبت ها و مجازات اسلامی هم رحمت است. زیرا که این هم یک نوع پالایش و تطهیر است. لذا خدای متعال عذابش هم مظهر رحمت اوست. گاهی انسان یک مصیبتی در دنیا می بیند ، آسیبهایی که به بنده ای می رسد و یا تب یک شب.... به هر حال خدای متعال می خواهد یک فضای رحمت وسیعی را به روی بندگان باز کند.

مجری: سوال این است که با این همه سخت گیری در خصوص حق الناس من چه کار کنم که در این باره حساس شوم و ناخودگاه کنترل کنم و دقت داشته باشم؟

جواب: ما بحث را به دوبخش تقسیم می کنیم عواملی که در خصوص حق الناس ، این شمع را در وجود انسان پر فروغ نگه می دارد که همواره رعایت کند و یا برعکس...

این که انسان دیگران را به حساب بیاورد و دیگران را بنده خود نداند؛ به عبارتی غلام پنداری و ارباب پنداری در خصوص دیگران و خود نداشته باشد. و یا انسان نباید که خود به پندار باشد؛ و یا خود معصوم انگاری نکند؛ تکبر در برابر دیگران نداشته باشد که در مقابل آن می شود تواضع.. کسانی که متکبرند در خیلی از مواقع حقوق دیگران را رعایت نمی کنند و کسانی هم که متواضع اند در بسیاری از مواقع توفیق رعایت حق الناس را دارند. این است که انسان باید در ساختمان وجودی خودش این عادت تواضع را بیوراند. طبعا

انسان متواضع خود به پندار نیست و یا خودش را معصوم نمی داند. و یا دیگران را آدم خود نمی داند؛ به همین خاطر، در تراث دینی ما یک فصل مشبعی راجع به تواضع داریم. اصولاً خود بحث تواضع می تواند یک اصل مسلم و اساسی اخلاق اجتماعی باشد.

به هر حال تواضع یک اصل سازنده است؛ پیامبر روی خاک می نشیند؛ رعایت اصل تواضع، روح انسان را لطیف میکند. پیامبر وقتی سوار اسب می شود، وقتی دو سه نفری همراه او راه می افتند به آن ها می گوید کاری دارید بفرمایید، اگر ندارید من می خواهم که تنها بروم. پیامبر مهمانی بر او وارد می شوند و آن ها پدر و پسر بودند پیامبر دست پدر را می شویند و دست پسر را هم پیامبر به فرزندشان محمد حنفیه دستور می دهند که تو بیا و شستشو بده. و بعد حضرت توضیح می دهند که اگر این پسر جداگانه آمده بود من خودم دست او را می شستم. اما به این دلیل که این ها با هم آمده اند و باید اولویت و برتری حق پدر بر پسر محفوظ بماند این گونه عمل کردم. و یا امام سجاد علیه السلام اصرار دارند ناشناس بروند مکه که کار دیگران را انجام دهند. ما در سیره علمای خودمان هم داریم و من حیقم می آید که این ها را بیان نکنم. یکی از نویسندگان (فکر کنم مرحوم شانه چی) تعریف می کرد که محضر آقای شیخ هاشم قزوینی بودم، که حاج آقا بزرگ تهرانی آمد و مهمانش شد، وقتی مهمان خواست برود شیخ هاشم قزوینی آمد کفش ها را جفت کرد و با گوشه لباسش کفش را تمیز کرد. بحث این است که درست است که امثال شیخ هاشم قزوینی مراتب علمی و اخلاقی بالایی را دارد اما نباید آن را بپندارد و برای آن عناوین و عارضیات حساسی باز کند: حدیث آن را برایتان خواندم: لَا يَزِي أَعْدَا إِلَّا قَالَ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي..... سوال شد که شاید فلاّنی فاجر و فاسق باشد امام علیه السلام فرمودند آیا شما از عواقب و پایان کار خبر دارید؟ چه بسا توبه کند؟ آیا ارزشهایی که دارد و رونمی کند را شما می دانید؟ می آمدند نزد پیامبر که برخی نزد تو می آیند و وضعی ندارند و ما وضع مالی امان خوب است اجازه بده آن ها نیایند و ما بیاییم و... که آیه بیست و هشت سوره کهف نازل شد و در خصوص تواضع پیامبر نسبت به فقرا دستوراتی را داد.

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا

رعایت اصل تواضع به این معنی نیست که انسان گوهر وجودی خود را بفروشد به سره ناسره و به ثمن بخش؛ در قرآن هست که علیکم انفسکم اما این به معنای خود برتر بینی هم نیست و به پنداری و خود به پنداری در این مقوله جای نمی گیرد. باید در عین حال که انسان سعی بر این دارد که گوهر وجودی خود را حافظ باشد و مراقب باشد که آن را به بهای ناچیز نفروشد، اما این دلیل نیست که دیگران را دست کم بگیرد و یا آن ها را بنده و کارمند و غلام خود بداند.

و انسان باید در هر حال رعایت تواضع کند، مگر چه خبر است بسیاری از بزرگ بینی ها نتیجه توهمات است فرشتگان این را می دانند اما ما انسان ها این را نمی دانیم؛ مجلسی وارد شدیم هر جا خالی بود بنشینیم این که سعی کنیم حتما برویم جلو دوربین و در نقطه مرکزی مجلس، سوال این است که مثلاً چه شود؟!

اما گاه یک نکته هم هست و آن این که مبادا در قالب تواضع ما خود برتر بینی داشته باشیم. به قول یک نفر می گفت: برخی از این الاحقر گفتن ها انا اکبر گفتن است! در ظاهر انا الاحقر می گوید اما واقعش... انا ربکم الاعلی است!

جمله معروفی را ویل دورانت دارد و می گوید از سه هزار و چهار صد و بیست و یکسال فقط بشر دویست و شصت و هشت سال جنگ نداشته است. من محاسبه کردم نسبت دوازده با یک بوده است. بحث این است که تمام ادیان بزرگان و مصلحانی داشته اند اگر ایده و اخلاق آن ها در جامعه پیاده می شد ، آیا محملی بود برای این همه اختلاف و خونریزی و جنگ و ...

جمله ای هست از آقای الاحمدکریمی استاد الازهر مصر می گوید: حرف من درست است اما ممکن است اشتباه باشد، و کلام مخالفان من اشتباه است اما ممکن است صحیح باشد ؛ ایشان اصل را بر صحت حرف خود و احتمال اشتباه را به دیگران نسبت داده است اما می توان گفت :به همان میزان که ممکن است اندیشه من درست باشد به همان میزان هم ممکن است اندیشه دیگران درست باشد و به همان میزان که ممکن است اندیشه دیگران اشتباه باشد ، به همان میزان هم ممکن است اندیشه من هم اشتباه باشد. تصور کنید که این ،تبدیل به یک گفتمان عام شود، چه می شود؟ یا کارگزاران نظام این را در عمل بیاورند چه می شود!و چه نتایج خوب و مبارکی که رقم خواهد خورد.

مجری: آیه زیبایی است در سوره قصص که می فرماید:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا ۖ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

جواب: حتی میدانید که دنیا ، دربلند مدت هم برای متقین است ؛ اما شاید در کوتاه مدت برای غیر متقین باشد مثل دوران امام علی علیه السلام که روز جمعه در شام هزاران منبر خطبه ها را با سب امام علی علیه السلام شروع می کردند و با سب امام علی هم به پایان می بردند...در دوران بنی امیه و بنی عباس این رویه ادامه داشت اما الان قبر معاویه کو؟ قبر ولید کو؟ منصور دوانیقی کو؟ سفاح کو؟هارون کو؟ اما یک دختر از امام حسین علیه السلام در خرابه شام می میرداما الان عظمت را ببینید.